

تمدن‌سازی و هنر زمینه‌ساز، تصمیمی موعودگرا، راهبردی فعال

دکتر غلامرضا گودرزی*

چکیده

امروزه در دنیایی زندگی می‌کنیم که هنر در آن شاهد انواع تعارضات در قول و عمل است و میان اندیشه‌های ناب در هنر با جلوه‌های جذاب آن در صحنه عمل، تفاوت‌هایی موجود است. نمونه‌ای از این تعارضات را می‌توان در نوع نگاه و تعامل ارزش‌های غربی با هنر دانست. در این نگاه از یکسو هنر به عنوان یک ابزار مقدس و قابل احترام برای گسترش افکار انسان‌ها قلمداد شده و آزاد محسوب می‌شود، و از سوی دیگر اگر همین هنر ابزاری باشد برای انتقال مفاهیم ناب و ارزش‌های اصیل ادیان الهی، مورد نکوهش قرار می‌گیرد. با وجود تمام این نکات، بی‌تردید هنر یکی از کارآمدترین و ماندگارترین شیوه‌های گسترش عقاید و تأثیرگذاری بر افکار انسان‌ها بوده، و به اعتباری می‌توان آن را جزو مهم‌ترین الزامات تمدن‌سازی قلمداد نمود.

امروزه غرب نیز با درک اهمیت راهبردی این موضوع از هنر در همه قالب‌ها استفاده می‌کند، تا تمدن خویش را استحکام بخشیده و آن را در سطح جهان گسترش دهد. نمونه‌های متعددی از کاربردهای هنر در این زمینه مشهود و معلوم است که با عنایت به چنین جایگاه ویژه‌ای، در این مقاله ضمن بررسی موضوع هنر زمینه‌ساز، نگاهی داریم به نقش هنر در تمدن‌سازی و تعالی هنر زمینه‌ساز به عنوان تصمیمی موعودگرا و راهبردی فعال در اندیشه ناب مهدوی.

کلمات کلیدی: هنر، هنر زمینه‌ساز، تمدن‌سازی، تفکر مهدویت.

مقدمه

معمولاً وقتی از واژه تمدن یاد می‌شود، هنر یکی از آشکارترین جلوه‌های آن خواهد بود. زندگی انسان‌ها در طول تاریخ نیز همواره با هنر توأم بوده است. تمدن‌های بزرگی چون ایران، مصر، چین، یونان و روم

نیز از این قواعد مستثنی نبوده و هنوز هم وجود شاعرانی توانمند در ایران زمین، اهرام ثلاثه مصر، پارچه‌های رنگین چین، هنرهای رزمی و ورزشی یونان و معماری‌های زیبای روم برخی از جلوه‌های هنر و تمدن‌های پیشین هستند؛ لذاست که باید گفت هنر بر زندگی بشری سایه‌ای ژرف گسترده است.

از منظر دینی نیز هنر و علاقه به زیبایی، جزو امور فطری قلمداد شده و در حقیقت عطیه‌ای الهی شمرده می‌شوند. ضمن اینکه هنر در اندیشه اسلامی، جایگاهی ویژه داشته و مورد تأکید پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) بوده است. البته وقتی در اینجا از هنر صحبت می‌کنیم، بایستی متذکر شویم که میان هنر دینی با هنر متداول امروزی ارتباطاتی است. برای تبیین این تفاوت‌ها و روشن شدن موضوع در ابتدا باید نگاهی داشته باشیم به مفهوم هنر و هنر دینی.

هنر

برای بسیاری از واژگان در حوزه علوم انسانی، ارائه یک تعریف واحد سخت و دشوار است. یکی از دلایل این موضوع، پیچیدگی مباحث حوزه علوم انسانی، علت دیگر تفاوت‌های فرهنگی و نقش آنها در ارائه تعاریف گوناگون، و علت سوم ریشه‌دار بودن مفاهیم این حوزه در طول تاریخ تمدن بشری است. هنر نیز از این موضوع خارج نیست و تعاریف گوناگونی پیرامون آن مطرح شده است. برای نمونه جملات ذیل برخی از این تعاریف را نشان می‌دهد:

هنر، انعکاس تخیل و تصور هنرمند، تشبیهی از جهان که ما از آن لذت می‌بریم، کوششی برای ایجاد زیبایی و عالم ایده‌آل و در نهایت شکل دادن به تجارب انسان است که بدان می‌نگریم و از آن لذت می‌بریم. به عبارتی دیگر هنر، مبتنی بر نوعی علم و معرفت باطنی است که سرچشمه‌ای آسمانی دارد.^۱

یکی از مهم‌ترین تعاریف در خصوص هنر، مختص به اقبال لاهوری است. وی در تعریف هنر می‌گوید: «مقصود از هنر، اکتساب حرارت و نشاط ابدی است. ملت‌ها نمی‌توانند بدون معجزه قیام کنند. هنری که خاصیت عصای موسی (ع) یا دم عیسی (ع) در آن نباشد، چه فایده‌ای بر آن مترتب خواهد بود.»^۲

لازم به ذکر است که در ادبیات هنر، تقسیم‌بندی‌های متعددی برای هنر ارائه می‌شود. برای نمونه برخی هنر را به هنرهای زیبا و برخی هنرهای سنتی تقسیم‌بندی می‌کنند. هنرهای زیبا مجموعه‌ای از هفت هنر هستند که عبارت‌اند از: موسیقی، هنرهای دستی، هنرهای ترسیمی، ادبیات، معماری، حرکات نمایشی و هنرهای نمایشی. از سوی دیگر هنرهای سنتی، مجموعه‌ای از هنرها و صنایع ظریفه‌ای هستند که در طول سده‌های متمادی با حفظ ریشه‌ها و سنت‌های خود رشد کرده مراحل شکل‌گیری خود را گذرانده یا می‌گذرانند.

^۱. مجتبی مطهری الهامی، مقاله تأملی در تعریف هنر.

^۲. مریم لباف‌زادی، مقاله تعریف هنر و فلسفه آن.

اما در این مقاله، تعریف ذیل برای هنر ارائه می‌شود، که البته در مطالعاتی دقیق‌تر و تخصصی‌تر می‌تواند محل بحث و گفت‌وگو نیز باشد. طبق این تعریف هنر عبارت است از:

«یک موهبت الاهی که به واسطه آن خلقی بشری که متضمن ارائه اندیشه، دیدگاه و جهان‌بینی خالق آن بوده و در نزد او دارای زیبایی منحصر به فردی است، حاصل می‌گردد.» در این تعریف ویژگی‌هایی وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. هنر در ذات خود از جانب خدا بوده و دارای بار و ارزش معنوی است؛
 ۲. هنر تا زمانی که به خلق یک ایده و یا اثر نرسد و در حقیقت از بالقوه به بالفعل تبدیل نگردد، قابل تعریف و بالتبع سنجش نیست؛
 ۳. هر هنرمندی نگاه خود به جهان را در قالب آثار هنریش نشان می‌دهد. لذا هنر را می‌توان بازگوکننده ضمائر درونی انسان‌ها و حتی جوامع دانست؛
 ۴. هر اثر هنری آنگاه ارزشمند است که نه از روی جبر و الزام، که کاملاً مبتنی بر عمق وجود و خواست مبدع آن خلق شده باشد؛ زیرا اگر هنر برآمده از اختیار و علاقه درونی هنرمند باشد، در نزد او دارای زیبایی منحصر به فرد خواهد بود. در غیر این صورت یک شعر به ظاهر زیبا ولی سروده شده براساس اجبار و فشار قطعاً در نزد شاعرش فاقد زیبایی منحصر به فرد است؛
 ۵. هنر و آثار هنری با توجه به نظرات و سلاقی مختلف دارای زیبایی‌های متفاوت‌اند؛ یعنی یک فیلم می‌تواند در نزد برخی از افراد بسیار هنری و غنی، و در نزد دیگران بی‌ارزش و سخیف قلمداد شود. علت این دو نوع قضاوت متعارض را نیز بایستی در همراستایی و یا تفاوت نگاه ارزیابان با اندیشه و جهان‌بینی کارگردان فیلم جست‌وجو نمود.
- نکته جالبی که اشاره به آن در این بخش مهم است، دیدگاه رهبری به هنر است. ایشان اولاً هنر را در متن جامعه، حاضر و جاری دانسته و جایگاه خاص و ممتازی برای آن قائل هستند. از سوی دیگر ویژگی‌های ممتازی برای هنرمندان قائل‌اند که مهم‌ترین آن عنایت الاهی به آنهاست که البته در قبال این موهبت، رسالت و تکالیفی نیز بر هنرمندان لازم است. برای نمونه ایشان در دیداری می‌فرمایند:

«برخلاف تصور بعضی از دوستان، فرهنگ و هنر و ادب در کشور به هیچ وجه در حاشیه قرار ندارد. بلکه کاملاً در متن است ... هنر گوهر بسیار گران‌بهایی است که ارزش و گران‌بهایی آن فقط بدین جهت نیست که دل‌ها و چشم‌هایی را به خود جذب می‌کند. خیلی از چیزهایی که هنری نیست ممکن است چشم‌ها و دل‌هایی را به خود جذب کند. نه این یک موهبت و عطیه الهی است. حقیقت هنر هر نوع هنری یک عطیه الهی است. اگرچه بروز هنر در چگونگی تبیین است، اما این همه حقیقت هنر نیست. پیش از تبیین یک ادراک و احساس هنری وجود دارد و نکته اصلی آنجاست. بعد از آن که یک زیبایی، یک ظرافت و یک حقیقت ادراک شد از آن هزار نکته باریک‌تر از مو که گاهی آدم‌های غیرهنرمند نمی‌توانند یک نکته‌اش را هم درک کنند، هنرمند با همان روح هنری و با آن چراغ هنر که در درون او برافروخته شده است، ظرایف و دقایق و حقایق را ابراز می‌کند. این می‌شود هنر واقعی و حقیقی که ناشی از یک ادراک و یک بازتاب و یک تبیین است. در واقع هنر یک موهبت الهی و یک حقیقت بسیار فاخر است. به طور طبیعی کسی که این موهبت از سوی پروردگار مثل همه ثروت‌های دیگر به او داده شده است، باید بار مسئولیتی را هم برای خودش قائل باشد.»^۱

^۱. دیدار با اصحاب فرهنگ و هنر، ۱۳۸۰/۵/۱.

هنر دینی

ارتباط بین دین و هنر از جمله مباحث مهم و اساسی است که اندیشمندان متعددی در حوزه ادیان و یا هنر پیرامون آن سخن گفته‌اند. البته در اصل مکاتب اصیل دینی و تحریف نشده، به علت نوع نگاه متفاوت به این دو بحث، تعارضی بین دین و هنر مطرح نیست؛ اما به علت وجود پاره‌ای از شبهات که ریشه در تفکرات غیردینی دارد، در ادبیات دینی به ویژه ادبیات اسلامی به موضوع ارتباط بین دین و هنر پرداخته شده است. اما آنچه در این میان بیشتر محل بحث بوده و متفکران مختلف نظرات گوناگونی را پیرامونش بیان نموده‌اند، بحث هنر دینی است. این ترکیب که از تلفیق دو مفهوم مهم و کلیدی دین و هنر حاصل می‌گردد، در یک تعریف بسیار کلی به آثار هنری که دارای خمیرمایه‌های دینی هستند، قابل اطلاق است.

رهبری در تبیین هنر دینی، مطالب مفیدی دارند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

«هنر دینی آن است که معارفی را که ادیان الهی و کامل‌تر از همه دین مبین اسلام با هدف سعادت حقیقی بشر به دنبال ترویج آن بوده‌اند، در جوامع انسانی منتشر کند و در افکار بشر ماندگار و جاودانه سازد ... در هنر دینی الزامی به استفاده از واژگان یا نمادهای مذهبی نیست، بلکه ترویج هنرمندانه مقولاتی نظیر عدالت، حقوق انسانی و مسائل اخلاقی و پرهیز از ابتذال و استحاله هویت انسان و جامعه می‌تواند نمونه‌های خوبی از هنر دینی باشد.»^۱

با عنایت به این نگاه، صرفاً به‌عنوان یک نمونه و در مقام پاس‌داشت مقام جناب ابوطالب به ابراز ایمان ایشان، آن‌هم حاوی پرمغزترین و پرمعناترین مفاهیم ولی در قالب هنر دینی اشاره می‌کنیم. در حقیقت قصد داریم با این مثال نشان دهیم که چگونه در شرایط سنگین و سخت ابتدای بعثت، که جو حاکم ابوطالب را به پنهان نمودن ظاهری ایمانش به حضرت محمد(ص)، برای امکان حمایت از ایشان و در واقع کمک به شکوفایی نهال تازه اسلام وادار می‌کرد، هنر شعر که در آن زمان مورد علاقه جامعه عربی بود، بیانگر عمق ایمان او بوده است. در ادامه به چند نمونه از مجموعه اشعاری که منسوب به ایشان است اشاره می‌کنیم.

^۱. دیدار با اصحاب فرهنگ، هنر و اندیشه، ۱/۵/۱۳۸۰.

ألم تعلموا أنّا وجدنا محمداً رسولاً كموسى خط في أول الكتب^١

فلسنا وربّ البيت نُسلم أحماً
لعزّاء من عضّ الزمان ولا كرب^٢

در جایی دیگر ایشان این گونه می سرایند:

ليعلم خيار الناس أنّ محمداً وزير لموسى والمسيح ابن مريم^٣

أتانا بهدى مثل ما أتيا به فكلُّ بأمر الله يهدى و يعصم^٤

هنر زمینه‌ساز

در تفکر ناب و فعال مهدوی، جهان به سمت استقرار حکومت جهانی موعود الاهی حرکت می‌کند و این حادثه و وعده عظیم قطعاً تحقق خواهد یافت. در مقام مقایسه در تفکرات فرجام‌شناسانه غربی، جهان به سمت استقرار نظمی نوین که بشرساز است حرکت می‌کند. به بیان دیگر در این نگاه میل به رفاه‌طلبی و سودجویی بیشتر، باعث می‌شود تا آموزه‌های دینی نیز در محاسبات مادی لحاظ شده و سعی شود جهت حصول حاکمیت مطلق بر دنیا و کسب سود و رفاه بیشتر تلاش و تسریع شود. لذا وظیفه هر فرد در این روند فراهم آوردن مقدمات استیلای نظم نوینی است که منبعث از ارزش‌های غربی است. به بیان دیگر در این حالت بشر با نفی یا محدود کردن اراده الاهی و وزن‌دهی بسیار بالا به نقش انسان‌ها و البته در میان آنها نیز نقش دادن کلیدی به قشر خاصی از مردم، عملاً به سمت آینده‌سازی حرکت می‌کند.

اما در نگاه مهدوی میل به عدالت و تلاش جهت استقرار حکومت موعود ادیان اصالت یافته، انسجام‌بخش جوامع مختلف و اتصال‌بخش حرکت انبیای الاهی می‌گردد. به عبارت دیگر در این فرض بشر با اصالت دادن و عنایت خاص به نقش اراده پروردگار، در قالب سنن الاهی به نقش انسان‌ها می‌نگرد و برای سرنوشت تک‌تک انسان‌ها بدون تفاوت در نژاد و نسل‌ها و البته متفاوت براساس میزان تقوا، ارزش قائل است. لذا قائلین به این تفکر، عملاً به سمت زمینه‌سازی حرکت می‌کند.

پس تصویر این دو نگاه و تفکر و در نتیجه تلاش‌ها و راهبردهای آنها و همچنین نوع حرکتشان متفاوت خواهد بود. حال، هنری که تلاش دارد تا زمینه تفوق رویکرد اول یعنی آینده‌سازی را مهیا کند، هنر آینده‌ساز و در نقطه مقابل هنری که به سمت رشد فطرت انسانی با تکیه بر اراده الاهی است، هنر زمینه‌ساز خواهند بود. اینجاست که نقش هنرمند آینده‌ساز یا زمینه‌ساز پررنگ‌تر می‌شود. او به واسطه کفران نعمت و موهبت الاهی، به توانمندی و استعدادی می‌رسد که با درک غلط از روند حوادث، و براساس وسوسه‌های شیطانی، مردم را با ابزار هنر به سمت نفی اراده الاهی و یا به تعبیری آینده‌سازی سوق می‌دهد و یا با فهمی درست و صحیح و منطبق با آموزه‌های وحیانی از موهبتی که در او نهفته است، با استعانت از هنر و قابلیت‌های آن ضمن توجه به نقش اراده پروردگار، جایگاه و رسالت افراد بشر را در تحقق وعده

الاهی گوشزد نموده و جامعه را به سمت زمینه‌سازی سوق می‌دهد. مقام معظم رهبری در این خصوص تعبیر زیبایی دارند:

«من حوادثی را به چشم خودم دیده‌ام که شاید چشم مادی نتوانسته آنها را درک کند، اما بعد که شما هنرمندان آنها را به نگارش درمی‌آورید یا در قالب نمایش نشان می‌دهید و یا به زبان قصه بیان می‌کنید، من آن حوادث را که بازبینی می‌کنم، می‌بینم عجب حوادثی بوده است. تازه شروع به فهمیدن آن می‌کنم. لذا به نظر من نقش هنرمند مسلمان نقش فوق‌العاده برجسته‌ای است.»^۱

۱. دیدار مسئولان و هنرمندان دفتر هنر و ادبیات مقاومت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی،

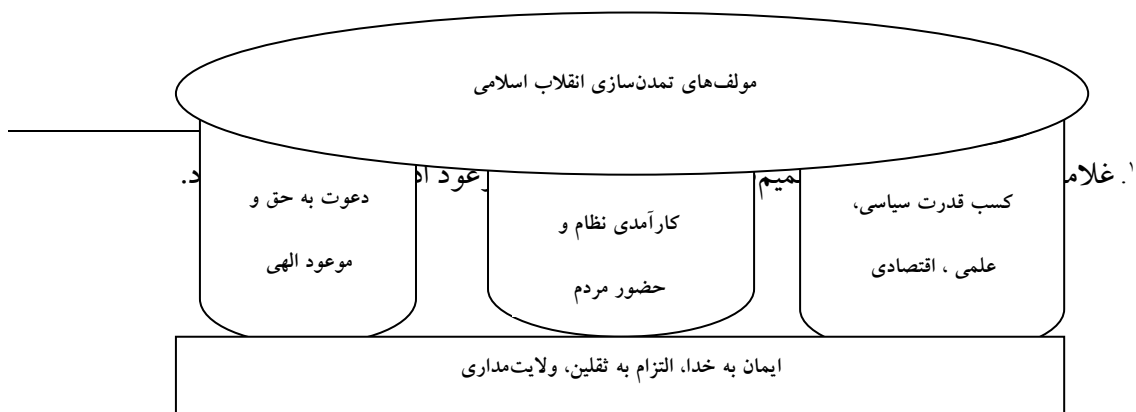
۱۳۷۰/۴/۲۵.

تمدن‌سازی و هنر زمینه‌ساز

تمدن‌سازی علاقمندان زیادی را به خود مشغول نموده است. تمدن‌سازی را می‌توان حرکت هوشمندانه یک ملت و یا بخشی از یک ملت به سوی استقرار دستاوردهای مورد قبول و خواست آنها دانست.^۱ یک ملت ممکن است خود دارای تمدن باشند، اما تمدن‌سازی نکنند و بالعکس ملتی ممکن است دارای تمدنی ضعیف‌تر باشند، اما به سوی تمدن‌سازی حرکت کنند.

همانگونه که در تعریف ابتکاری هنر در این مقاله ذکر شد، هنر دارای ابعاد گوناگونی است که پیوند خاصی با تمدن و تمدن‌سازی دارند. لذا بین تمدن‌سازی و هنر ارتباط است. در حقیقت با استفاده از هنر می‌توان تمدن ساخت و البته گروه و ملتی که می‌خواهد تمدن‌ساز باشد بایستی به ابزار ارزشمندی چون هنر مسلح باشد. حال اگر مفاهیم هنر آینده‌ساز و زمینه‌ساز را به این معادله اضافه کنیم، نتیجه جالب‌تر خواهد شد. به بیان دیگر هنر آینده‌ساز به سمت خلق تمدنی مبتنی بر ارزش‌های آینده‌سازی حرکت می‌کند، همانگونه که هنر زمینه‌ساز نیز به سمت تفکر ناب مهدویت متمایل است. و از سوی دیگر تمدن غربی برای استیلا و القای تفکرات خود به مخاطبینش نیازمند هنر آینده‌ساز است، کما اینکه تفکر مهدویت نیز برای گسترش خود و بصیرت‌بخشی به مخاطبش محتاج شناخت و به کارگیری هنر زمینه‌ساز است. برای تبیین بیشتر موضوع نگاهی خواهیم داشت به موضوع انقلاب اسلامی.

انقلاب اسلامی، انقلابی که صرفاً تغییر یک حکومت نبود، بلکه دارای ویژگی‌های منحصر به فرد و متصل به منبع عظیم الهی بوده است. لذا این انقلاب یک رویکرد تمدنی و تمدن‌سازی مبتنی بر فطرت انسانی و پیام الهی است. از این منظر در عرصه جهان امروز انقلاب اسلامی داعیه تمدنی مبتنی بر تفکر ناب و فعال مهدوی دارد. در این تفکر ایمان به خدا، التزام به تقلین و ولایت‌مداری اصول زیربنایی بوده، و دعوت به حق و موعود ادیان به عنوان ممیزه تمدن انقلاب اسلامی، کارآمدی نظام و کسب اعتماد مردم و حضورشان در عرصه‌های مختلف به انضمام کسب قدرتمندی سیاسی، علمی و اقتصادی از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن‌سازی هستند. شکل ذیل، این مؤلفه‌ها را در یک نگاه نشان می‌دهد:



نتیجه گیری

جهان امروز مملو از نشانه‌های هنر است. کارآمدترین و ماندگارترین شیوه ابراز عقاید و تأثیرگذاری بر دیگران با ابزارهای گوناگون هنری همچون تصویر، شعر، داستان، رمان، موسیقی، انیمیشن، امور رایانه‌ای، نقاشی، مجسمه‌سازی و نمایش صورت می‌گیرد. با عنایت به همین ارزش هنر است که در دو بستر آینده‌سازی (به مفهوم ساخت آینده با نفی اراده الاهی) و زمینه‌سازی (حرکت فعال جهت نقش‌آفرینی بشر در آینده با توجه به اراده الاهی)، دو مفهوم هنر آینده‌ساز و هنر زمینه‌ساز مطرح خواهد شد.

باید توجه داشت که هنرموهبتی الاهی است که به واسطه آن خلقی بشری که متضمن ارائه اندیشه، دیدگاه و جهان‌بینی خالق آن بوده و در نزد او دارای زیبایی منحصر به فردی است حاصل می‌گردد؛ و با اتکای به این قدرت است که هنر می‌تواند تمدن‌ساز باشد و برای ملتی که داعیه تمدن‌سازی آن‌هم مبتنی بر تفکر ناب مهدویت دارد. هنر زمینه‌ساز به مثابه یک تصمیم راهبردی است و در حقیقت یک راهبرد فعال و اثربخش است و نه یک تفریح و سرگرمی.

به بیان دیگر وقتی از منظر افق آینده و موضوع تمدن به هنر می‌نگریم، بسط و گسترش هنر دینی و هنر زمینه‌ساز در جامعه اسلامی راهبردی اساسی است؛ راهبردی که ضمن پیچیدگی‌های ناشی از ماهیت هنر، دارای ابعاد خاص فرهنگی است و در دولت زمینه‌ساز اتخاذ و شناخت چنین راهبردی و طراحی مؤلفه‌ها، برنامه‌ها و زیرساخت‌های آن خود نیازمند انتخاب مدل مناسب تصمیم‌گیری راهبردی است. این مدل می‌توان همان مدل تصمیم‌گیری راهبردی موعودگرایی باشد که در اصول و مفروضات خود بصیرت‌بخشی، تمدن‌سازی و آگاهی‌بخشی را لحاظ نموده و با درک نقش ممتاز هنر به دنبال حرکتی راهبردی و فعال است. در پایان مقاله بی‌مناسبت نیست برای تبیین نقش هنر زمینه‌ساز در تمدن‌سازی انقلاب اسلامی به جمله‌ای از مقام رهبری اتناد نمائیم که می‌فرماید: «هنر بهترین وسیله برای انعکاس

مفاهیم اسلامی و انسانی است. انقلاب و جامعه اسلامی برای برقراری ارتباط و ابلاغ مکنونات قلبی خود به مخاطبینش به هنر فاخر و برجسته نیاز دارد.^۱

^۱. دیدار خانواده شهدا، اساتید و دانشجویان دانشگاه هنر، ۱/۸/۱۳۷۰.

فهرست منابع:

۱. سایت اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.
۲. گودرزی، غلامرضا، تقابل رویکرد تمدن‌سازی انقلاب اسلامی و جهانی‌سازی، تحلیلی آینده‌نگرانه.
۳. گودرزی غلامرضا، رسانه تصمیم‌ساز موعودگرا: مقایسه موعود ادیان و موعود هالیوود.
۴. مطهری الهامی، مجتبی، مقاله تأملی در تعریف هنر.
۵. لباف‌زادی، مریم، مقاله تعریف هنر و فلسفه آن.

* دانشیار دانشگاه امام صادق(ع).

۱. آیا نمی‌دانید ما محمد را پیامبری یافتیم مانند موسی که به پیامبری و نام او در اول همه کتب تصریح شده است.
۲. به خدای کعبه قسم! ما به خاطر سختی‌ها و مشکلات پیامبر را با عزا عوض نمی‌کنیم.
۳. باید بدانند که محمد بهترین مردم و وزیر موسی و مسیح است.
۴. برایمان هدایتی آورد، مانند آنچه که آن دو آوردند، پس هر یک به امر خدا هدایت می‌کند و محفوظ است.